

اخبار

اصغر فرهادی در حاشیه مراسم خانه سینما چه گفت؟



اصغر فرهادی با بیان اینکه فکر نمی‌کند امکان اکران فیلم جدیدش «داستان‌های موازی» در ایران وجود داشته باشد ، درباره فیلم جدیدش و اینکه آیا برای ساخت آن به ایران برمی‌گردد، گفت که هنوز هیچ چیزی قطعی نیست.
به گزارش خبرنگار ایسنا، این کارگردان برگزیده اسکار در حاشیه مراسم بزرگداشت سه پیشکسوت صدابردار و صداگذار سینما بیان کرد: من بعد از مدت‌ها به خانه سینما آمدم که یکی از دلایلش همین موضوع برنامه امروز و اهمیت صدا در سینما و اساتید صدا از جمله آقایان زاهدی، خانزاده و شهامت است. او ادامه داد: جای خیلی‌های دیگر خالی بود. من با آقای یدالله نجفی کار کرده بودم و صداپردازان دیگری هم بودند، مثل مرحوم مسعود بهنام که ممکن است ، نسل های جوانی که الان در سینما کار می‌کنند، کمتر بدانند که این افراد چه کارهایی برای سینمای ایران کردند و درواقع پایه‌گذاران این حوزه بودند. به همین دلیل به نوعی وظیفه خودم می‌دانستم که امروز حضور داشته باشم تا احترامی باشد به کسانی که در بخش صدای سینمای ایران هستند.

حضور فرهادی در این مراسم برای بسیاری از همکارانش که به خانه سینما آمده بودند غافلگیر کننده بود، چرا که تصور می‌شد او در خارج از کشور است، با این حال این فیلمساز تأکید داشت که بنابر اهمیت صدا در سینما و ادای دین به پیشکسوتان این حوزه پس از مدت‌ها غیبت در چنین محافلی، به این برنامه آمده است.

فرهادی همچنین در پایان این مراسم با بسیاری از همکاران خود که تقریباً اکثر آنها از صداپردازان و صداگذاران سینما هستند، دیدار کرد.

عکسی دسته جمعی، پایان بخش حضور او در شبی برای صدای سینمای ایران بود.

همکاری شهرام ناظری و کیخسرو پورناظری پس از ۳۰ سال



شهرام ناظری و کیخسرو پورناظری پس از ۳۰ سال بار دیگر با یکدیگر همکاری می‌کنند و تور کنسرت جهانی «دیار» را برگزار خواهند کرد.

به گزارش ایرنا، شهرام ناظری موسیقی دان و خواننده موسیقی سنتی ملقب به شوالیه آواز ایران و کیخسرو پورناظری موسیقی دان آهنگساز موسیقی سنتی قرا است پس از ۳۰ سال همکاری مشترک بار دیگر با یکدیگر همکاری کرده و کنسرت‌هایی را برگزار کنند.

این دو هنرمند پیشکسوت در سال‌های پس از انقلاب آلبوم‌های «صدای سخن عشق» (۱۳۵۸)، «مهن‌آبور» (۱۳۷۱) و «حیرانی» (۱۳۷۵) را با همکاری یکدیگر تولید و منتشر کردند و یکی از دوره‌های درخشان موسیقی ایران را رقم زدند اما این همکاری به دلیل تفاوت سلیاق ادامه پیدا نکرد.

ناظری و پورناظری دی ماه سال ۱۳۹۷ در آتین رومانیی آلبوم «از دوار چرخ» اثر کیخسرو پورناظری با یکدیگر دیدار کردند.

همچنین شهرام ناظری، کیخسرو، تهمورس و سهراب پورناظری دی ماه سال ۱۴۰۰ با همراهی محمدحسین توتونچیان تهیه‌کننده موسیقی با یکدیگر دیدار کردند و گفت وگوهای ارزشمندی میان آنان شکل گرفت.

همچنین تانکون آثار موسیقایی «امشب» با شعرای از حسین منروی، «عمو نوروز» با شعرای از پوریا سوری، آهنگسازی تهمورس پورناظری و خوانندگی شهرام ناظری منتشر شده است.

در پی این دیدارها و همکاری‌ها، کیخسرو پورناظری و شهرام ناظری شامگاه دوشنبه (۳ شهریور ماه) در صفحه‌های شخصی خود در فضای مجازی از همکاری دوباره و برگزاری تور کنسرت جهانی «دیار» به صورت مشترک خبر دادند که پس از ۳۰ سال از آخرین آلبوم مشترک خود، باهم به روی صحنه خواهند رفت. در توضیح این کنسرت آمده است: «تور جهانی دیار شهرام ناظری، کیخسرو پورناظری و تهمورس پورناظری پس از سال‌ها انتظار نوامبر امسال از کانادا آغاز می‌شود. روایتی از موسیقی، شعر و میراثی که نسل‌ها را به هم پیوند می‌دهد.»

کنسرت «دیار» ۶ نوامبر (۱۵ آبان ماه) در تورنتو، ۸ نوامبر (۱۷ آبان ماه) در مونترال و ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان ماه) در کلگری و ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان ماه) در ونکوور برگزار می‌شود.

قله دماوند در تابستان امسال فقط مقصد کوهنوردان نبود؛ به صحنه‌ای برای عکس گرفتن، رقابت بر سر چند متر جا، نصب تابلوهای متفاوت، انتشار تصاویر تیراندازی، صعود با پای برهنه و بحث درباره رفتار انسان‌ها در ارتفاعات تبدیل شد. تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شدند و پرسش‌های زیادی مطرح کردند.

به گزارش ایسنا، برخی از تغییر نگاه افراد به کوهنوردی گفتند. برخی دیگر حجم کوهنوردان امسال را برای صعود به قله، خارج از ظرفیت تحمل قله دماوند اعلام کردند. کوهنوردان حرفه‌ای و قدیمی نیز بار دیگر تأکید کردند که قله دماوند یک اثر طبیعی است و برای صعود به این قله نباید اثری از خود روی آن به جا بگذارند.

اما چه اتفاقی بین رابطه ما با دماوند افتاده است که آن را به عنوان یک اثر کهن دوست داریم و دلمان می‌خواهد این شکوه را از نزدیک ببینیم اما پس از رسیدن به آن، در آسیب زدن به این اثر ملی گاه از یکدیگر سبقت‌می‌گیریم؟!

قله دماوند نخستین اثر میراث طبیعی ایران بود که سال ۱۳۸۷ ثبت ملی شد و مسئولان وقت قول دادند که پیگیر ثبت جهانی آن هم باشند. اما پرسش همیشگی در ارتباط با میراث ملی این است؛ ثبت‌هایی که با هیچ آموزش و مراقبتی همراه نباشد، چه منفعتی برای آن اثر دارد؟

ظرفیت دماوند چقدر است؟

عباس محمدی، کوهنورد و کنشگر محیط زیست معتقد است دماوند ظرفیت این حجم از کوهنورد را ندارد و در این باره به ایسنا می‌گوید: «طبق مطالعات انجام شده و برآوردهای فدراسیون کوهنوردی از کارشناسان محیط زیست مبنی بر ظرفیت سنجی کوهنوردی دماوند، روزانه ۳۰۰ کوهنورد امکان صعود به قله دماوند را از مسیر جنوبی دارند که راحت‌ترین مسیر محسوب می‌شود. این تعداد بر اساس ظرفیت پناهگاه و تعداد کمی هم چادر در اطراف آن برآورد شده است. ظرفیت مسیر غربی نیز حدود ۶۰ کوهنورد و ظرفیت مابقی مسیرها کمتر از این تعداد است. در نقاط دیگر دنیا نیز بر اساس امکانات اقامتی، ظرفیت‌سنجی می‌شود تا فشار بیش از اندازه به طبیعت و منابع طبیعی وارد نشود. صعود این تعداد کوهنورد نیاز باید همراه با مربی و راهنما باشد تا مسیر صعود فرسوده نشود، به تعداد راه‌های فرعی اضافه نشود و عرض پوک‌بپ افزایش پیدا نکند.»

او ادامه می‌دهد: «به عقیده من باید ورود خودرو و قاطر در مسیر صعود به قله ممنوع شود، حتی فدراسیون کوهنوردی هم با این کار موافق است. اما دستگاه‌هایی که می‌توانند در این زمینه اعمال قدرت کنند عملاً هیچ‌کاری انجام نمی‌دهند و متأسفانه دولت‌ها و دستگاه‌های مسئول در ابفای مسئولیت خود سه‌روشی می‌گذارند. به عقیده من، قوه قضائیه، منابع طبیعی و پلیس باید در این زمینه ورود کنند که متأسفانه هیچ‌کدام تا کنون هیچ‌کاری انجام نداده‌اند.»
این کوهنورد با بیان اینکه صعود به دماوند و بسیاری از کوه‌های ایران مثل خیلی از رویدادها و برنامه‌های کشور رشد کمیتی داشته است اما طی سه دهه گذشته از نظر کیفیت تنزل پیدا کرده است، می‌گوید: «تعداد کوهنوردان بسیار زیاد شده است اما بیش از ۹۰ درصد برنامه‌هایی که اجرا می‌شوند از جنبه کوهنوردی فاقد کیفیت لازم هستند. هر برنامه‌ای که در کوهنوردی دشوارتر باشد، در شرایط سختی انجام شود و نیازی به نیروی کمکی مثل باربر یا خط تله‌کابین نداشته باشد، ارزشمند محسوب می‌شود که البته معیارهای دیگری هم دارد اما من درباره آن‌ها بحث نمی‌کنم. آنچه ما در دماوند شاهد هستیم این است که ماشین‌های باربری تیار در مسیر جشواره، گوروش زارعی، هوشنگ تولکی، انوش مسافرآستانه، شیوا می‌کنند از آنجا تا ارتفاع ۴۱۰۰ متر نیز از قاطر برای حمل بار استفاده می‌شود.»

محمدی ادامه می‌دهد: «مسائل فنی در کوهنوردی اصیل، ارزش تلقی می‌شوند اما متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد کم‌رنگ شدن این مسائل بودیم. این در حالی است که هر سال به تعداد کوهنوردان افزوده می‌شود. ما در همه زمینه‌ها از دانشگاه، مدرسه، گردشگری و کوهنوردی گرفته تا موارد دیگر شاهد رشد کمی بودیم اما کیفیت، تنزل پیدا کرده است.»

او رقابت غیرمنطقی برای گرفتن گواهی صعود یا

رقابت غیرمنطقی برای گرفتن گواهی صعود یا فخر فروشی؟

دماوند قربانی شلختگی و بی‌مسئولیتی

دونفر در ارتفاع ۵۶۱۰ متری دماوند در حال کتک‌کاری هستند و مابقی کوهنوردان سعی می‌کنند آنها را از هم جدا کنند. پشت صحنه درگیری هم، کوهنوردانی بی‌تفاوت به اتفاق‌های اطراف در حال گرفتن عکس یا تابلوی قله دماوند هستند. فردی که در حال فیلمبرداری است می‌گوید: «دعوا سر قله دماوند به خاطر عکس»، بعد دوربین‌گوشی را کمی می‌چرخاند و ادامه می‌دهد «اولی من اودمدم اینجا عکس بگیرم. اینجا هم میشه عکس گرفت».



می‌شود اما مدیریت نمی‌شود و پس از ثبت اقدام موثری صورت نمی‌گیرد. ما درباره محیط زیست هم همین‌شویه را می‌بینیم. سازمان محیط‌زیست نیز سال ۱۳۸۱ دماوند را به عنوان اثر طبیعی ملی اعلام کرد اما به جز چند اقدام جزئی، اقدامات خاصی در این زمینه انجام نشد. شما وقتی به قصد صعود به دماوند وارد این منطقه می‌شوید نه نماینده‌ای از میراث فرهنگی می‌بینید، نه محیط‌بان. حتی قربانی‌های هم‌از سوی منابع طبیعی که مالک یک اثر طبیعی است، دیده نمی‌شود. که مراقب چرای دام باشد. در مجموع نظارت برای حفاظت از این اثر طبیعی در حد صفر است.»

این کوهنورد معتقد است: «برای حفظ یک پدیده طبیعی باید در دو حوزه مسئولیت قائل شد؛ نخست حوزه اقتدار دولتی است که بیشترین سهم را دارد؛ یعنی اعلام یک منطقه حفاظت‌شده، یا اعلام منطقه به عنوان اموال طبیعی همگانی و بین نسلی. ۹۰ درصد حفاظت از چنین مکان‌های به عهده دستگاه‌های نظارتی است. مردم هم ۱۰ درصد وظیفه را بر عهده دارند. هر فردی که وارد یکی از مکان‌های طبیعی می‌شود مسئولیت دارد طوری وارد و خارج از این عرصه شود که انگار هیچکس وارد آنجا نشده و از خودش ردی به جا نگذارد. کوهنوردی‌ای که ما در بیشتر نقاط ایران و به خصوص دماوند می‌بینیم کوهنوردی شلخته‌وار است که ماشینی شده است چرا که بخشی از مسیر با خودرو طی می‌شود. در این زمینه نیاز تا حد زیادی دستگاه‌های فرهنگی کشور مقصدند که باید قانون را اعمال کنند.»

ما شاهد مُدگرایی به جای تجربه‌گرایی هستیم
اما ندا زینال‌زاده، جامعه‌شناس نیز معتقد است برخی رفتارهای اخیر در قله دماوند فراتر از یک بی‌نظمی ساده و نشان از یک «مساله فرهنگی» در مواجهه با طبیعت است و در این‌باره به ایسنا می‌گوید: «از دیدگاه جامعه‌شناسی ما شاهد مُدگرایی به جای تجربه‌گرایی هستیم. کوهنوردی برای برخی نه یک ورزش یا عشق به طبیعت، بلکه تبدیل به مد شده است. در عصر شبکه‌های اجتماعی، قله دماوند تبدیل به یک «لوکیشن اینستاگرامی» شده‌است. فرد نمی‌رود که «کوهنوردی» کند؛ می‌رود که «عکس بگیرد» و این تصویر را از خود به نمایش بگذارد که (من هم آنجا بودم.»

او همچنین درباره رابطه جامعه ایرانی با دماوند توضیح می‌دهد: «قله دماوند در فرهنگ، تاریخ و ذهنیت جمعی ایرانیان، صرفاً یک توده سنگ و یخ نیست، بلکه یک سمبل چندلایه با ابعاد مختلف است؛ نماد ایستادگی و شکوه ملی است. دماوند برای ایرانیان نماد شکوه و عظمت سرزمینی است. در ادبیات و باور عمومی نماد استواری و سربلندی است. نماد پیوند با اساطیر و تاریخ است و در شاهنامه و داستان‌های

که‌هن به عنوان مکانی باشکوه و درگیر نیروهای ماورایی توصیف می‌شود. نماد خیر و شر است، در واقع دماوند محل گرفتار شدن دیوها (نمادهای بدی و آشوب) است. نماد پاکي و قدسی بودن است، قله مرتفع آن محل ملاقات اقدم جزئی، اقدامات خاصی در این زمینه برف همیشگی آن نشان پاکي و تعالی است. نماد هویت جغرافیایی و فرهنگی است، دماوند نگهبان ایران است و دیدن عکس این قله حس وطن‌پرستی را به جریان می‌اندازد. نماد هدف و چالش است، دماوند تبدیل به آرکوتایپ (Archetype) یا همان کهن الگوی از چالش‌های بزرگ شده است؛ یعنی معیاری برای سنجش قدرت اراده انسان.»

زیان‌ل‌زاده در مسیر قله دماوند

این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: «جامعه‌شناسی محیط‌زیست به ما می‌گوید که وقتی طبیعت به عنوان (کالا) دیده شود، احترام به آن از بین می‌رود و شاهد کالایی شدن این قله برای برخی افراد در زمان نمایش تصاویر با تفنگ شکاری و تابلوها شخصی هستیم. از سوی دیگر شاهد فقدان فرهنگ زیست محیطی در این زمینه هستیم؛ چراکه اغلب افراد در این زمینه آموزش ندیده‌اند. در کوهنورهای توسعه‌یافته، ورود به مناطق حساس طبیعی نیازمند دریافت مجوز، گذراندن دوره‌های آموزشی و پذیرش پروتکل‌های سخت‌گیرانه است. اما نبود مقررات بازدارنده و عدم آماردگی جسمی و ذهنی در دماوند مشهوداست.»

زینال‌زاده همچنین به توهم امنیت و عدم بلوغ در رفتار برخی از افراد که احتمالاً تصویری از خشم مثبت و عمیقی هم برای فرد از نظر سلامت جسمی و روانی و هم برای جامعه، افزایش همبستگی اجتماعی به همراه داشته باشد. به یاد داشته باشیم که افزایش جمعیت‌از نظر جامعه‌شناسی همواره پیامدهای فراوانی را به همراه دارد بنابراین افزایش جمعیت کوهنوردان و عدم برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند محیط زیست و خطر بیفزاند.»

این جامعه‌شناس معتقد است: «افزایش تمایل مردم به کوهنوردی با مدیریت درست می‌تواند پیامدهای مثبت و عمیقی هم برای فرد از نظر سلامت جسمی و روانی و هم برای جامعه، افزایش همبستگی اجتماعی به همراه داشته باشد. به یاد داشته باشیم که افزایش جمعیت‌از نظر جامعه‌شناسی همواره پیامدهای فراوانی را به همراه دارد بنابراین افزایش جمعیت کوهنوردان و عدم برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند محیط زیست و جامعه کوهنوردان را به چالش بکشد.»

ایران فعالیت داشت، با صدای خود خاطره چندین نسل از مخاطبان موسیقی ایرانی را شکل داد و مجموعه‌ای از آثار ماندگار از کارنامه هنری خود به یادگار گذاشت. خواجه‌امیری در طول فعالیت هنری خود با اجرای آثار متعدد، جایگاهی قابل توجه در حافظه موسیقایی ایرانیان به دست آورد و صدای او برای چندین نسل از مخاطبان موسیقی ایران آشنا و ماندگار شد.

آغاز بیستمین جشنواره تئاتر مقاومت

رویدادی که جنگ تعطیلش نکرد!

مظلوم میثاب می‌کنیم. این جشنواره با اصالت، کیفیت و جذاب بوده و هست. وی افزود: از یک جایی این جشنواره به شکل قدیمی برگزار نشد و دوستان به این نتیجه رسیدند اگر اجراها در شهرها اجرا شود تا اثرگذاری بهتری داشته باشد، اما فکر می‌کنم در شرایط امروز که مفهوم مقاومت ملموس‌تر شده‌است، امیدوارم از دوره‌های بعد هر کسی که به جشنواره می‌آید آثار به صحنه رفته را ببیند. آثار نقد شوند و شاهد چهره‌های شاخص تئاتر برای تولید و پیوند پیشکسوتان با نسل جدید در عرصه دفاع مقدس باشیم. شیفعی سپس پیام خود برای افتتاحیه این جشنواره را قرائت کرد. پس از این بخش، یک قطعه نمایشی روی صحنه رفت و در ادامه سعید خطیب‌زاده معاون وزیر امور خارجه، پشت تریبون قرار گرفت.

خطیب‌زاده با عرض خوشامدگویی به اهالی هنر و تئاتر، یاد شهدای انقلاب و دفاع از کشور را گرمای داشت و بیان کرد: امام شهید ما به ما موخت که باید با تک‌تک سلول‌های وجودمان حسینی زندگی کنیم و این‌شالله حسینی از این دنیا خبر نبریم. وی افزود: امروز جای همه شهدا خالی است؛ از سرداران شهید، بزرگان شهید، شهدای دنا، شهدای میناب، فرزندان شهید این سرزمین و تک‌تک شهدایی که در کوچه‌پس‌کوچه‌های ایران مقاومت کردند تا امروز ما بتوانیم در اینجا حضور داشته باشیم، گرامی می‌داریم. خطیب‌زاده ادامه داد: این غم و اندوه برای ما آنتجان سنگین است که از نفس از گرماگه خبر بیرون نمی‌آید، اما همین غم و اندوه و هجران در حال تبدیل شدن به یک پیروزی حماسی برای ملت ایران است.

معاون وزیر امور خارجه گفت: ما امروز در میانه یک واقعه تاریخی و در پیچیده‌ترین عملیات‌هایی قرار داریم که این کشور حداقل در چند صد سال اخیر به خود دیده است. من جنگ اول، جنگ دوم و جنگ روز سیزدهم را جدا از یکدیگر نمی‌بینم؛ آنچه می‌بینم تداوم

فرهنگ و هنر

خبر

سیروس ابراهیم‌زاده هم رفت

بازیگری با صدایی که دیده می‌شد

او رفت، اما آن چهره و صدای منحصر به فرد همچنان در حافظه دیداری‌شنیداری چند نسل از مخاطبان باقی خواهد ماند، صدایی که برای شناخته شدن، هیچ نیازی به دیده شدن نداشت. به گزارش عصر ایران؛ در سینما و تئاتر ایران، همیشه ستاره‌ها نیستند که تاریخ را می‌سازند، گاهی بازیگرانی هستند که بی‌سروصدا، دهه‌ها ستون‌های قابل اعتماد یک هنر می‌شوند. سیروس ابراهیم‌زاده از همین جنس بود. بازیگری که شاید کمتر اهل شهرت و هیاهو بود، اما حضورش در هر اثر، به آن اعتبار و اطمینان می‌بخشید.

بعضی بازیگران را با چهره‌شان به خاطر می‌آوریم و بعضی دیگر را با صدایشان، سیروس ابراهیم‌زاده از معدود بازیگرانی بود که هر دو را در حافظه مخاطب ثبت کرد، چهره‌ای آشنا و صدایی که تنها به خودش تعلق داشت. صدایی که کافی بود چند کلمه از آن را بشنوی تا بی‌آنکه چهره‌اش را ببینی، شناسی که گوینده کیست.

خبر درگذشت او پس از تحمل یک دوره بیماری، آن هم دور از وطن، بیش از آنکه یادآور پایان یک زندگی باشد، یادآور کم‌رنگ‌تر شدن نسلی از بازیگران است که پیش از آنکه به فکر دیده شدن باشند، به درست بازی کردن فکر می‌کردند. نسلی که تئاتر برایشان مدرسه بود و بازیگری، حرفه‌ای که باید هر روز آموخت.

ابراهیم‌زاده از همان نسل بود. پس از تحصیل در رشته ادبیات انگلیسی، برای آموزش تئاتر راهی انگلستان شد و با نگاهی حرفه‌ای به بازیگری بازگشت. همین پیشینه باعث شده بود به متن، تمرین و کار گروهی احترام ویژه‌ای بگذارد. همکاریانش بارها از نظم، دقت و اخلاق حرفه‌ای او گفتند. بازیگری که برای کوچک‌ترین نقش نیز همان اندازه وسواس به خرج می‌داد که برای نقش‌های پررنگ. او فعالیتش را از اواخر دهه چهل آغاز کرد و با «حسن کچل» علی حاتمی وارد سینما شد. بعدها در آثار فیلمسازان و سریال‌سازان مختلفی از جمله علی حاتمی، داوود میرباقری، مسعود جعفری جوزانی، سیروس الوند، محمدرضا هاشمی و ... حضور یافت. شاید

مفرت نقش اول بود. اما از آن بازیگرانی به شمار می‌رفت که حضورشان به هر اثر، حس اطمینان و اصالت‌می‌بخشید.

بسیاری او را با مجموعه‌هایی چون «سایه همسایه»، «تنهاترین سراسر»، «سح و سوم» و «ساختمان پزشکان» به یاد می‌آورند و علاقه‌مندان سینما نیز نقش‌آفرینی‌هایش در آثاری مانند «کمال‌الملک»، «مومیایی ۳»، «مکس»، «شام عروسی» و «سوغات فرنگ» فراموش نکردند.

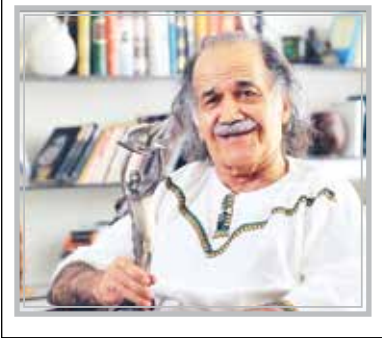
اما شاید آنچه بیش از هر نقش در حافظه مخاطبان مانده، صدای او باشد، نه به این دلیل که صرفاً خوش‌آهنگ یا پرتینن بود، بلکه چون جنس صدایش به هیچ صدای دیگری شباهت نداشت. صدایی که امضای خودش بود.

کافی بود میان صداها صدا تنها چند جمله حرف بزند تا حتی بدون دیدن چهره‌اش بتوان او را شناخت. این ویژگی، به کنار بازی‌های دقیق و منطبق با نقش، ویژگی یگانه به حضور او روی صحنه و مقابل دوربین می‌بخشید.

برای نمونه بازی او در فیلم مومیایی ۳ ساخته محمدرضا هاشمی را به یاد بیاورید، که برای همان نقش برنده بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در چهارمین دوره جشن خانه سینما شد.

او هیچ‌گاه اهل حاشیه نبود و کمتر درباره خودش سخن گفت. ترجیح می‌داد نقش‌هایش دیده شوند، نه زندگی شخصی‌اش. شاید همین خصلت باعث شد احترام همکاریانش را بیش از شهرت به دست بیاورد. احترام بازیگری که می‌شد روی حضورش حساب کرد.

مرگ سیروس ابراهیم‌زاده، بیش از آنکه جای یک چهره مشهور را خالی کند، یادآور کم‌رنگ شدن نسلی از بازیگران است که اعتبارشان را از فروتنی، دانش و سال‌ها کار مداوم به دست آورده بودند. او رفت، اما آن صدای منحصربه‌فرد همچنان در حافظه شنیداری چند نسل از مخاطبان باقی خواهد ماند، صدایی که برای شناخته شدن، هیچ نیازی به دیده شدن نداشت.



چندین ماه جنگ است و باید به یاد داشته باشیم که امروز همچنان در میانه این جنگ قرار داریم. وی در ادامه اظهار کرد: روز تغییرات در نظام بین‌الملل آغاز شده است. من پیشگو نیستم و نمی‌دانم اکنون در ظهر این روز تغییرات قرار داریم یا در شام آن. اما آنچه متوجه می‌شوم این است که آن دنیای قدیمی که می‌شناختیم دیگر وجود ندارد. خط‌بندی‌ها از دنیای قدیم به ما گفته می‌شد حقوق بین‌الملل مهم‌ترین چیز است و جهان بر مدار ارزش‌های جهان‌شمولی که در منشور سازمان ملل متحد نوشته شده، می‌گردد؛ اما آن جهان دیگر وجود ندارد. وی ادامه داد: در آن جهان، قدرت استیلاجویی به نام ایالات متحده آمریکا به‌عنوان مرکز تمدن و امنیت برای جهان معرفی می‌شد، اما آن دنیا دیگر وجود ندارد.

در میان یک دوره‌ای تاریخی

معاون وزیر امور خارجه در ادامه گفت: در این مسیر، ما ۲ راه داریم؛ راهی که این قدرت سلطه‌جو برای ما و ملت‌های دیگر پیشنهاد می‌کند، راه تسلیم است و می‌خواهد به تک‌تک ما این انحراف ادراکی را ببخشد که تسلیم بهترین گزینه برای همه ماست. اما راه دیگر، راه مقاومت است؛ راهی که ملت ایران در طول تمدن تاریخی خود برگزیده است. زارعی پس از تجلیل، گفت: خیلی خوشحالم که در جمع همکارانم هستم. زمانی که جوان‌تر بودیم، سال‌ها شوق این را داشتیم که فراخوان جشنواره اعلام شود و بتوانیم در آن شرکت کنیم. سال‌ها در این رویداد حضور داشتیم و جایزه گرفتیم و این جشنواره باعث رشد و تعالی من در تئاتر شد. وی افزود: خودم را جزو تئاتر مقاومت ایران می‌دانم و آرزویم این است که این‌شالله مقاومتی که مردم در ۲۰۴ شب در خیابان‌ها رقم زدند، نتیجه بدهد و پیروزی این جنگ با ما باشد که قطعاً همین‌طور است. در ادامه این مراسم، جعفر قاسمی نمایش «پچه‌های میناب» را روی صحنه برد و پس از آن از مجموعه نمایشنامه «هشت صحنه از جنگ رمضان» رونمایی شد.